

تحلیل انسان‌شناختی راه‌های نهادینه‌سازی اخلاق اجتماعی نیکو؛ با تأکید بر وجدان‌کاری

محسن ایزدی*

چکیده

اندیشمندان، مصلحان و رهبران دینی، بر ضرورت ترویج و نهادینه‌سازی اخلاق نیکوی اجتماعی به‌ویژه وجدان‌کاری اذعان دارند. بدون تردید یکی از مهم‌ترین عوامل سعادت، پیشرفت و تمدن‌سازی در هر جامعه‌ای عبارت است از برخورداری مردم آن جامعه از اخلاقیات نیکوی اجتماعی. برخی از جوامع علی‌رغم محرومیت از آموزه‌های دین اسلام (و حتی ادیان آسمانی دیگر)، توانسته‌اند در ترویج و نهادینه‌سازی برخی اخلاقیات نیکوی اجتماعی توفیقات چشمگیری کسب کنند. از منظر فلسفی و دینی، همه انسانها از جهات دانش، گرایش و توانش، مفطور به فطرت الهی بوده و دارای استعدادها و زمینه‌های تخلق به اخلاق نیکو هستند. اما برای برخورداری واقعی از اخلاقیات نیکوی اجتماعی، این استعدادها کافی نبوده و فعلیت یافتن آنها مستلزم دخالت عوامل متعددی است. در نوشتار پیش‌رو با روش تحلیلی توصیفی، به تبیین و تحلیل این حقیقت می‌پردازیم که برای شکوفاسازی استعدادهای فطری اخلاقیات اجتماعی، سه عامل مهم بسیار تأثیر گذارند: الف) مدیریت کارآمد و علمی ب) تربیت مبتنی بر انسان‌شناسی دقیق و واقع‌بینانه ج) تقویت بنیانها و ترمیم نقصان‌های دینداری.

واژگان کلیدی

اخلاق اجتماعی، وجدان‌کاری، انسان‌شناسی، مدیریت، تربیت، دینداری.

طرح مسئله

مطالعات تاریخی و جامعه‌شناختی و همچنین تأملات فلسفی گویای این حقیقت است که ایجاد و نهادینه‌سازی اخلاق اجتماعی نیکو در جامعه از مقدمات ضروری برای پیشرفت جامعه و نیز تحصیل سعادت فردی و اجتماعی انسان‌ها و قرارگرفتن در مسیر تمدن‌سازی است. همه انسان‌ها فطرتاً به خوب بودن اخلاق نیکو واقفند و همچنین به اخلاق نیکو گرایش دارند و هر انسانی فطرتاً توانایی آراستگی و تخلق به اخلاق اجتماعی نیکو را نیز دارد. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون آراستگی به اخلاق اجتماعی نیکو مدعی پیشرفت و رشد سعادت‌مندان باشد.

اقوام روزگار به اخلاق زنده‌اند قومی که گشت فاقد اخلاق، مردنی است. (بهار، ۱۳۵۴: ۲ / ۴۰۸) با این همه، این پرسش به‌طور جدی قابل طرح است که چرا با وجود مقدمات و محرکات زیادی که برای تخلق انسان به مصادیق مختلف اخلاق نیکو از جمله اخلاق اجتماعی وجود دارد، اما رواج و رسوخ آن در برخی از جوامع اندک است. اخلاقیاتی مانند راستگویی، وفای به عهد، احترام متقابل، قانون‌مداری، رعایت حقوق مردم، و از همه مهم‌تر وجدان‌کاری.

برای تحقق‌بخشیدن به اخلاقیات نیکو در جامعه، همه انسان‌ها دارای محرک‌ها و قابلیت‌های ریشه‌داری مانند فطرت و وجدان هستند که مهم‌ترین ملاک انسانیت است. انسان‌های مؤمن علاوه بر وجدان درونی - که وجه مشترک همه انسان‌هاست - به خداوند و معاد نیز ایمان دارند و این خود می‌تواند انگیزه جدی جهت آراسته شدن انسان به اخلاق اجتماعی نیکو ایجاد کند.

آموزه‌های دین مبین اسلام نیز می‌تواند محرکی مضاعف در برانگیختن مسلمانان برای مراعات موازین اخلاقی اجتماعی نیکو باشد. به‌جز موارد سه‌گانه پیش‌گفته، از مردم جامعه‌ای که حکومت اسلامی در آن حاکم است انتظار می‌رود بیش از جامعه‌های دیگر ضوابط و موازین اخلاق اجتماعی نیکو را مراعات نمایند.

اما - هم‌چنانکه حکیم فرزانه، رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به آسیب‌های متعدد سبک زندگی و اخلاق اجتماعی متداول در بین مردم ایران، توجه دادند (از جمله بی‌انضباطی اجتماعی، نظم‌گریزی و قانون‌ستیزی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-contentid=21252>) - اگر با نگرشی واقع‌بینانه به کشور جمهوری اسلامی ایران بنگریم به‌طور طبیعی با این سؤال مواجه خواهیم شد که چرا با وجود همه محرکات چهارگانه (وجدان و فطرت انسانی، ایمان به خدا و قیامت، آموزه‌های اسلام و حاکمیت نظام اسلامی)، رواج برخی اخلاقیات نیکوی اجتماعی به‌ویژه وجدان‌کاری نسبت به

برخی از جوامع دیگر کم‌رنگ و ضعیف است؟^۱ آیا ایراد و اشکالی در کم و کیف این چهار محرک وجود دارد؟ و یا این ضعف اخلاقی ریشه در علل دیگری دارد؟ در نوشتار پیش‌رو سعی خواهیم کرد با روش تحلیلی توصیفی و با رویکردی انسان‌شناسانه، ضمن تحلیل و بررسی پرسش‌هایی نظیر موارد فوق، به این پرسش اصلی پاسخ دهیم که راه‌های نهادینه‌سازی اخلاق نیکوی اجتماعی به‌ویژه «وجدان‌کاری» چیست؟ اگرچه تاکنون تحقیقاتی در قالب کتاب و مقاله در این حوزه منتشر گردیده، اما این مسئله بسیار مهم و سرنوشت‌ساز، دامنه وسیعی دارد و همچنان به تحقیقات بیشتر و دقیق‌تری به‌ویژه واکاوی‌های انسان‌شناختی نیاز دارد.

۱. خاستگاه اخلاق نیکوی اجتماعی در انسان

وجود همه انسان‌ها مفطور به امور فطری است. این امور فطری در سه قلمرو دانش، گرایش و کنش (توانش) قابل بروز و ظهور هستند. همان‌گونه که در منابع متعدد اخلاقی اثبات گردیده (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۶۱ - ۲۱؛ همو، ۱۳۸۸: ۸۱ - ۷۳؛ مصباح، ۱۳۸۷: ۳۳۶ - ۲۲۹ و ۲۹۰ - ۲۷۵) اخلاق (اجتماعی) نیکو از جمله حقایقی است که خداوند در فطرت و نهاد انسان به ودیعت نهاده است. ذات انسان از همه جهات سه‌گانه ذکرشده، مفطور به فطرت الهی است.

برخی از کشورها علی‌رغم اینکه از نعمت دین اسلام و حتی ادیان آسمانی دیگر محرومند، توانسته‌اند تا حدود زیادی برخی از اخلاقیات نیکوی اجتماعی مانند وجدان‌کاری، انضباط اجتماعی، قانون‌مداری و رعایت حق‌الناس را در جامعه خود اجرا نمایند.^۲ به‌نظر می‌رسد در تعلیل این مسئله لازم است به دو نکته مهم توجه نمائیم:

الف) مردمان چنین کشورهایی اگرچه از دستورات، تأکیدات و وعد وعیدهای دینی مبنی بر عواقب اخروی اجرا و عدم‌اجرای اخلاقیات اجتماعی محرومند، اما از فطرت خدادادی برخوردارند و به مقتضای همین فطرت و وجدان الهی، حُسن اخلاقیات نیکوی اجتماعی و قبح اخلاقیات غیرنیکوی اجتماعی را درک می‌کنند و براساس همین فطرت و وجدان خدادادی، درک می‌کنند که نهادینه‌شدن فرهنگ وجدان‌کاری عامل پیشرفت جامعه و فقدان آن عامل عقب‌ماندن جامعه است. (ر.ک:

۱. طبق بررسی‌های به عمل آمده، از هر هشت ساعت کار روزانه، میانگین کار مفید در بسیاری از سازمانها و مؤسسات در ایران حدود ۲۲ دقیقه اما در کشوری مانند ژاپن از هر هشت ساعت کار روزانه همه هشت ساعت آن کار مفید است. (قاسم اسلامی، ۱۳۹۷: ۷۳)

۲. همان.

مطهری، ۱۳۷۸: ۸۵ - ۶۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۸۶ - ۱۶۸؛ جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۹۲ - ۱۹۰) موهبت الهی عقل از چنان جایگاه و عظمتی برخوردار است که در احادیث معصومین عقل بشر به‌عنوان حجت و رسول باطنی و نبوت انبیاء به‌عنوان رسول ظاهری معرفی شده‌اند: امام کاظم علیه السلام به هشام می‌فرماید: «يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ عليهم السلام وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۶)^۱

ب) اما در کم و کیف تأثیرگذاری فطریات انسان در اخلاق نیکو باید دانست که اولاً فطریات نهفته در وجود انسان فقط استعدادهایی بالقوه هستند و فعلیت یافتن آنها نیازمند به مقدمات و عوامل متعددی می‌باشد. ثانیاً در وجود انسان، علاوه بر فطریات که منشأ و مبدأ انسانیت و بستر و خاستگاه اخلاقیات نیکوی او می‌باشند، غرایز حیوانی نیز وجود دارند که منشأ افعال و آثار حیوانی او هستند و عدم‌مهاری آنها می‌تواند مانع ظهور و بروز حقایق فطری باشد. از این‌رو، فطریات انسان، نقش قابل‌داری دارند و فعلیت یافتن آنها به فاعل‌هایی نیاز دارد.

۲. راه‌های شکوفاکردن و نهادینه‌سازی اخلاق اجتماعی نیکو

برخی محققین گفته‌اند: «علل و عوامل آشکار و نهان فراوانی دست‌به‌دست هم می‌دهند تا یک رفتار یا صفت اخلاقی را شکل‌داده یا تغییر دهند. عواملی مانند شرایط اقلیمی، باورها، محیط اجتماعی، شرایط اقتصادی، شرایط سیاسی، نوع حاکمیت، گروه‌های مرجع، امیال و سلیق شخصی و تاریخ و فرهنگ ملی و اجتماعی جامعه موردنظر»؛ (شریفی، ۱۴۰۰: ۳۳) اما، تحلیل و شناخت پیشینی و پسینی انسان حاکی از آن است که، راه اساسی نهادینه‌کردن اخلاق اجتماعی نیکو از جمله وجدان‌کاری، اصلاح و تقویت ساختار جامعه در سه بُعد «مدیریت، تربیت و دیانت» است. از این‌رو، در ادامه این نوشتار به تحلیل و بررسی کم و کیف نهادینه‌سازی اخلاق نیکوی اجتماعی (به‌ویژه وجدان‌کاری) از طریق تمرکز بر روی تقویت و اصلاح ساختارهای جامعه در بنیان‌های مدیریتی، تربیتی و دیانتی می‌پردازیم.

۱-۲. مدیریت علمی و کارآمد در جامعه

برای ایجاد و نهادینه‌سازی اخلاقیات نیکوی اجتماعی از جمله فرهنگ وجدان‌کاری در جامعه لازم است

۱. ای هشام خداوند دو حجت برای مردم قرار داده است یکی حجت ظاهر و دیگری حجت باطن. حجت ظاهر عبارت است از پیامبران و امامان و حجت باطن عبارت است از عقل انسان‌ها.

همه قوای سه‌گانه، نهادها، سازمان‌ها، و ادارات با روش مدیریت علمی، کارآمد و قاطع اداره شوند. اگر در جامعه‌ای وجدان‌کاری به‌نحو مطلوب رایج نیست و مردم آن جامعه وظیفه‌ای که بر عهده دارند را به‌خوبی انجام نمی‌دهند علاوه بر نارسایی‌ها و نواقص مختلف از جمله ضعف و ناکارآمدی مُزمن در ساختار نظام آموزشی و تربیتی آن جامعه، بی‌تردید، سیستم مدیریتی و اداری چنین جامعه‌ای نیز دچار ضعف ساختاری است. چراکه تربیت، مدیریت و دیانت سه رکن اساسی برای ادامه حیات یک اجتماع سالم می‌باشند.

فارابی، معتقد است: تحقق فضایل اخلاقی در جامعه فقط به‌وسیله حاکمان و مدیران فاضل و عادل و از طریق دو نیروی «اجرای قوانین» و «تمرین و تربیت»، ممکن و مقدور است. (فارابی، ۱۳۶۴: ۱۰۸ - ۱۰۷)

حکیم فرزانه، رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بارها در بیانات خود، مهم‌ترین وظایف مدیران و حاکمان نظام اسلامی را استفاده از امکانات و تجهیزات مدرن حکومتی برای ترویج و نهادینه‌سازی اخلاق نیکوی اجتماعی و جلوگیری از رواج گمراهی اخلاقی دانسته است. (ر.ک: بیانات رهبری در سخنرانی ششم اسفند ۱۳۸۱؛ سخنرانی شانزدهم شهریور ۱۳۸۸؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-contentid=3262>) ایجاد و نهادینه‌سازی فرهنگ وجدان‌کاری نیازمند به حاکمیت مدیریت علمی کارآمد و قاطع در هر سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه است:

الف) در قوه مقننه لازم است قوانینی تصویب شود که مهم‌ترین اهداف و جهت‌گیری‌های آن قوانین، نهادینه کردن فرهنگ وجدان‌کاری باشد. مبدأ طراحی چگونگی مدیریت سازمان‌های یک کشور و نیز سنگ بنای عدالت‌ورزی، قانون‌مداری و وجدان‌کاری، قوه مقننه است؛ بنابراین اگر این قوه به وظیفه اصلی خود عمل کند، می‌تواند شالوده و ریل‌گذاری مدیریت و تربیت مفید و مؤثر سایر ارگان‌ها و ادارات را بنا نماید. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیان گام دوم انقلاب، اصلاح اخلاق اجتماعی مردم را بدون همراهی حکومت و نهادهای قانونگذار ناممکن می‌داند. ایشان می‌فرماید: «اولاً، حاکمان خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند». (<https://farsi.khamenei.ir/speech-contentid=41673>)

ب) در قوه مجریه که مدیر و کارگزار همه ادارات و سازمان‌ها می‌باشد، لازم است اعمال روش‌های به‌کارگیری وجدان‌کاری به‌وسیله کارکنان در رأس برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها باشد. مدیریتِ مدیران و حاکمیت حاکمان، در صورتی می‌تواند برای ایجاد و ترویج وجدان‌کاری مؤثر،

کارآمد و فرهنگ‌ساز باشد که خود آنها به‌طور محسوس و بارز دارای وجدان‌کاری باشند. در ارزیابی مدیریتِ مدیران، مهم‌ترین ملاک موردنظر، بایستی داشتن یا نداشتن وجدان‌کاری باشد؛ چه اینکه اولاً بدون وجدان‌کاری هیچ مدیری نمی‌تواند در کارهای مختلف خود موفق باشد؛ ثانیاً در هر جامعه‌ای شاخص‌ترین الگویی که مردم در اعمال، رفتار و اخلاقیات خود از آنها پیروی می‌کنند مدیران (حاکمان) و عالمان هستند.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَّحَا صَلَّحَتِ أُمَّتِي، وَ إِذَا فَسَدَا فَسَدَتِ أُمَّتِي، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ هُمَا؟ قَالَ: الْفُقَهَاءُ وَ الْأُمَرَاءُ»^۱ (حرانی، ۱۳۶۳: ۵۰) همچنین امام علی ﷺ نیز فرموده است: «الْأَسَاسُ يَأْمُرُهُمْ أَشْبَهُهُ مِنْهُمْ يَا أَيُّهَا»^۲ (همان: ۲۰۸)

ج) در قوه قضائیه علاوه بر رعایت ابعاد مختلف اخلاق اجتماعی، به‌ویژه مراعات عدالت و وجدان‌کاری، لازم است با قاطعیت و جدیت و با شیوه‌های مختلف علمی مجرب، مانع وقوع ناهنجاری‌های اجتماعی گردد. مخرب‌ترین ناهنجاری در جامعه عبارت است از دزدی و سرقت و یکی از بدترین مصادیق دزدی، کم‌کاری (کم‌فروشی) و نداشتن وجدان‌کاری است. ابن عربی در خصوص علت نیاز به قوه قهریه معتقد است؛ برخی از مردم چنان با اخلاق بد خو گرفته‌اند که هیچ راهی برای اصلاح اخلاق آنها وجود ندارد به‌جز قوه قهریه. (ابن عربی، ۱۴۲۳ ق: ۱ / ۱۸ - ۱۷)

۲-۲. تربیت مبتنی بر انسان‌شناسی دقیق و واقع‌بینانه

از ابتدای حیات بشر تاکنون، همه پیامبران، اندیشمندان و فیلسوفان بر اهمیت تعلیم و تربیت تأکید و توصیه‌های زیادی داشته‌اند. از طریق تعلیم و تربیت، شاکله و شخصیت انسان‌ها ساخته می‌شود و بنابر نوع و روش تربیت، رفتار و اخلاق فردی و اجتماعی انسان‌ها و در پی آن فرهنگ جوامع متفاوت و متمایز می‌شود. تربیت مهم‌ترین عنصری است که شخصیت انسان‌ها را می‌سازد و با تثبیت و نهادینه کردن عادت‌ها، سیرت‌ها و خصلت‌های خاصی در نفس، نحوه عملکرد شخصی و اجتماعی انسان‌ها را تعیین می‌نماید. از این‌رو، در ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر، برخورداری همه انسان‌ها از امکانات تربیتی، به‌عنوان یک حق مسلم، مورد اذعان و تصریح قرار گرفته است. (رحیمی، ۱۴۰۰: ۶۳)

۱. پیامبر ﷺ فرمود: اگر دو گروه از امت من صالح باشند بقیه امت من نیز صالح خواهند بود و اگر این دو گروه فاسد باشند بقیه امت من نیز فاسد خواهند بود. از پیامبر ﷺ سؤال شد این دو گروه کدامند؟ پیامبر ﷺ فرمود: فقیهان (عالمان) و حاکمان (مدیران).

۲. مردم بیش از آن مقداری که به پدران‌شان شبیه هستند، به حاکمان‌شان شبیه می‌باشند.

اگر مدیران و برنامه‌سازان یک جامعه مصمم باشند که اخلاق اجتماعی نیکو در آن جامعه رایج و نهادینه شود، لازم است زمینه‌های تربیتی این عزم مهم را فراهم کنند. این هدف مهم، جامه عمل نخواهد پوشید به‌جز از طریق ابتناء نظام تربیتی جامعه بر حقایق علمی و قابل‌اتکاء که هم در آموزه‌های دینی معرفی و تبیین گردیده^۱ و هم برخی از آن حقایق به‌وسیله عقل بشر مکشوف و معلوم شده است. در این راستا، اولین گام مهم عبارت است از تدوین اصول و موازین تربیتی براساس انسان‌شناسی دقیق و واقع‌بینانه. در نوشتار پیش‌رو، از بین اصول و مبانی متعدد تربیتی فقط به توضیح و تحلیل مهم‌ترین آنها اکتفاء می‌کنیم:

در وجود همه انسان‌ها فطریاتی در قلمرو دانش، گرایش و کنش وجود دارد. علاوه بر امور فطری، انسان‌ها دارای غرایزی هستند که این غرایز ضامن حفظ حیات حیوانی انسان می‌باشند. همه فطریات و غرایز موجود در وجود انسان، در ابتدای تولد صرفاً استعدادهایی بالقوه‌اند که قابل‌شکوفایی هستند. (ر.ک: ایزدی، ۱۳۹۴: ۷۴ - ۵۷)

مهم‌ترین و ریشه‌دارترین خصلت ذاتی انسان که بیش و پیش از هر صفت ذاتی دیگری مستعد بروز، ظهور و به فعلیت رسیدن است، حبّ ذات می‌باشد؛ به‌طوری‌که از جهاتی می‌توان آن را متحد با ذات انسان دانست؛ چه اینکه در حبّ ذات، محبّ عین محبوب است و نه مغایر با آن؛ تغایر بین آن دو اعتباری است. از این‌رو، حفظ و ادامه ذات انسان متوقف به حبّ ذات است. اگر انسان فاقد چنین خصلت ذاتی بود حیات و هستی او از همان بدو تولد به بن‌بست می‌انجامید و ادامه نمی‌یافت. بنابراین حبّ ذات از چنان عمق و اصل اصیلی برخوردار است که ضامن ادامه حیات و استمرار وجود انسان است، به گفته استاد مصباح، این خصلت فطری از مصادیق گرایش‌های فطری می‌باشد. (مصباح، ۱۳۸۸: ۸)

از منظر مرحوم علامه طباطبایی، صفت ذاتی و اصیل حبّ ذات در وجود انسان، مستلزم صفت ذاتی دیگری است به نام روحیه استخدام‌گری. در نهاد همه انسان‌ها روحیه استخدام‌گری وجود دارد و عامل اصلی اجتماعی زیستن و مدنی بالطبع بودن انسان همین روحیه استخدام‌گری اوست. بر اساس این، هر انسانی برای ادامه حیات خود ذاتاً می‌خواهد از انسان‌های دیگر بهره‌برد و آنها را در خدمت رفع نیازهای خود قرار دهد، همین ویژگی عامل تشکیل اجتماع انسان‌ها بوده است.^۲ (طباطبایی،

۱. در تفسیر آیه «فطرت» (روم / ۳۰)، علامه طباطبایی معتقد است بنابراین آیه، همه آموزه‌های تعلیمی تربیتی و دستورات و توصیه‌های دین مبین اسلام با ساختار وجود و فطرت انسان منطبق است و عمل به آن دستورات انسان را به سعادت و غایت او خواهد رساند. (طباطبایی، بی‌تا: ۱۶ / ۱۷۸)

۲. علامه طباطبایی با تفتن یافتن به صفت استخدام‌گری انسان، و با الهام از آیه ۲۱۳ سوره بقره به اثبات ضرورت بعثت انبیاء مبادرت می‌نماید. (همان: ۲ / ۱۳۳ - ۱۱۶)

بی‌تا: ۱۱ / ۱۵۶) استاد جوادی آملی صفت استخدام‌گری انسان را از سنخ طبیعت (غریزه) و نه فطرت می‌داند. این فیلسوف متأله، جهت تفکیک بین طبیعت و فطرت انسان، معتقد است انسان «مستخدم باطبع و مدنی بالفطره» است. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۴۶ - ۳۹؛ جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۴۲۵ - ۴۰۳)

یکی دیگر از صفات ذاتی انسان که خاستگاه آن حبّ ذات اوست، فایده‌طلبی و لذت‌گرایی است. (همان: ۹ - ۸) در مباحث اخلاقی از این صفت ذاتی انسان به سعادت‌گرایی او تعبیر می‌شود. (ر.ک: ایزدی، ۱۳۹۶: ۱۰۰ - ۸۵) انسان موجودی است که ذاتاً خودخواه، استخدام‌گر، فایده‌طلب، لذت‌گرا و سعادت‌گرا می‌باشد. فایده‌ها و لذت‌هایی که انسان طالب و جویای آنهاست به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: فایده‌ها و لذات محسوس و عاجل (زودیاب) و فایده‌ها و لذات معقول و آجل (دیریاب). با توجه به غلبه و تسلط غرایز حیوانی در وجود انسان و نیز احاطه و هجوم جاذبه‌های دنیای مادی و زرق و برق آن و همچنین دشواری مسیر و مقدمات دستیابی به لذت‌ها و منافع عقلی و دیریاب، بیشتر انسان‌ها در تلاش‌اند تا به منافع و لذائذ حسی و زودیاب دست‌یابند.^۱

روان‌شناس مشهور، آبراهام مزلو نیازهای اساسی انسان را به پنج دسته تقسیم‌بندی می‌کند و معتقد است بروز و ظهور این نیازها بدین ترتیب است: ۱. نیازهای فیزیولوژیک (آب، غذا، نیاز جنسی و غیره) ۲. نیازهای ایمنی (امنیت، نظم، ثبات و غیره) ۳. نیازهای تعلق داشتن و عشق ۴. نیاز به احترام متقابل ۵. نیاز به خوشکوفایی. (مزلو، ۱۳۶۹: ۸۳ - ۷۰)

اگر بپذیریم که حبّ ذات و فایده‌طلبی در نهاد انسان ریشه‌دار است و بلکه ریشه‌دارترین صفت وجودی انسان است در این صورت از بین سیستم‌های تربیتی متعدد، آن سیستمی موفق‌تر خواهد بود که در محاسبات و برنامه‌ریزی‌های خود، این صفت ذاتی و مهم انسان را مدنظر قرار داده باشد. از منظر فلسفه تعلیم و تربیت نیز ضروری است که نیازها، علایق و رغبت‌مندیان، کاملاً مدنظر باشد و در تهیه محتوا و مواد آموزشی و تربیتی، گرایش‌های ذاتی آنها لحاظ گردد. (شریعتمداری، ۱۳۷۴: ۲۲)

از منظر تربیتی، این پرسش قابل طرح است که با وجود زمینه‌های فطری برای داشتن وجدان‌کاری، چرا برخی انسان‌ها (که تعدادشان هم کم نیست) حتی آگاهانه و عمدانه به این اخلاق نیکو عمل نمی‌کنند؟

۱. از همین رو، خداوند در قرآن کریم اولاً علاوه بر تأکید بر نتایج اخروی دین و دینداری بر فوائد دنیوی و زودیاب دین و دینداری نیز تأکید فرموده است. ثانیاً در معرفی منافع و لذایذ اخروی که برای بهشتیان مهیاست بیش از تأکید بر لذایذ عقلی و معنوی، لذایذ حسی و مادی نظیر خوراک، استراحتگاه، تفرجگاه، حور و قصور را توصیف و معرفی کرده است. (ر.ک: ایزدی، ۱۳۹۵: ۷۴ - ۷۱)

پاسخ این است که بسیاری از این انسان‌ها چنان تربیت شده‌اند که می‌پندارند رعایت وجدان‌کاری نه‌تنها به نفع آنها نیست بلکه به ضرر آنها می‌باشد؛ لذا این تصور (نادرست) با همراهی و معاضدت‌گریزه راحت‌طلبی در وجود انسان، عملکرد او را به سمت و سوی کم‌کاری سوق می‌دهند. بنابراین، ضروری است که در سیستم تربیتی جامعه با روش‌های مختلف علمی مؤثر از زمان کودکی به افراد جامعه تفهیم گردد و در نهاد و شاکله آنها راسخ شود که وجدان‌کاری ضامن منفعت آنهاست و نداشتن وجدان‌کاری عامل ضرر و زیان آنها در زندگی خواهد بود.

از نگاه بسیاری از فیلسوفان از جمله استاد مطهری تربیت عبارت است از پرورش (و مدیریت) استعدادها (و صفات ذاتی) موجود در انسان. (مطهری، ۱۳۹۹: ۴۳) همه انسان‌ها ذاتاً منفعت‌طلب هستند؛ با این تفاوت که برخی از آنها طالب منفعت معقول و معنوی؛ و برخی (که تعدادشان بسیار بیشتر از دسته اول است) طالب منفعت محسوس و مادی هستند. استاد مطهری با بیان (تأییدآمیز) بخشی از سخنان راسل، استفاده از این ویژگی انسان در ترویج و تثبیت امور اخلاقی و تربیتی را مفید و مؤثر می‌داند. راسل معتقد است انسان منفعت‌جو است و برای وادار کردن او به اخلاقیات اجتماعی بایستی از این صفت ذاتی او کمک گرفت. (همان: ۹۳ - ۹۲)

در مراحل مختلف رشد تربیتی و اخلاقی، همه انسان‌ها در دوره کودکی و نوجوانی - که روح انسان لطیف‌تر و آماده‌تر است - نسبت به دوره‌های دیگر عمر بسیار تأثیرپذیرتر هستند. (همان: ۵۶) بنابراین در برنامه‌ریزی و طراحی روش‌ها و سیستم‌های تربیتی، بایستی به این نکته مهم انسان‌شناسی توجه ویژه داشت و در سیستم تربیتی جامعه با روش‌های مختلف علمی مؤثر، از زمان کودکی به افراد جامعه تفهیم و القا گردد و در نهاد و شاکله آنها راسخ شود که وجدان‌کاری ضامن منفعت آنهاست و نداشتن وجدان‌کاری عامل ضرر و زیان آنها در زندگی خواهد بود. باید با روش علمی و تأثیرگذار و استفاده از تجهیزات و امکانات دنیای مدرن، مصادیق عینی فواید رواج فرهنگ وجدان‌کاری و ضررهای فرهنگ کم‌کاری و کم‌فروشی، تبیین و به‌طور نافذ در عقل و فهم و دل و جان آنها تثبیت شود. از جمله برخی از فوایدی که افراد جامعه در صورت داشتن وجدان‌کاری قطعاً به آنها دست می‌یابند و در غیر این صورت از آنها محرومند؛ عبارتند از:

الف) کسب آرامش روحی و روانی: اگر انسان دارای وجدان بیداری باشد و فطریات خدادادی او در زیر زنگارهای غفلت و جهالت مدفون نشده باشد هرگاه کاری را به‌نحو احسن انجام داده و به ندای وجدان خود پاسخ مثبت دهد، روح و جان او دارای طمأنینه و آرامشی خواهد شد که سلامتی جسم و

جان او را به همراه خواهد داشت و بالعکس فقدان وجدان کاری در انجام کارها، موجب عذاب وجدان و توالی مُهلک ناشی از آن خواهد شد. داشتن وجدان کاری، پاسخ مثبتی به ندای فطرت و شکرگزاری و ذکر نعمتهای الهی است؛ «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ». (رعد / ۲۸)

ب) جلب رضایت خداوند و پاداش‌های او: کسانی که در انجام کارها و وظایف خود دارای وجدان کاری هستند، قطعاً از این جهت رضایت خداوند را جلب می‌کنند. و طبق وعده الهی هم در دنیا و هم در آخرت مستحق پاداش الهی هستند؛ اما بالعکس کسانی که در انجام وظایف خود کوتاهی می‌کنند و دارای وجدان کاری لازم نیستند، طبق وعید خداوند هم در دنیا و هم در آخرت مستوجب عذاب و قهر الهی هستند. آیه شریفه «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ» (مطففین / ۱) با صراحت گویای این حقیقت است.

ج) کسب محبوبیت و احترام اجتماعی: یکی از نیازهای روحی انسان عبارت است از محبوبیت و مورد احترام بودن. (مزلو، ۱۳۶۹: ۸۲) همه انسان‌ها - به‌خاطر داشتن فطریات الهی - صفات نیکو را دوست دارند و به‌طور ذاتی دوستدار انسانهایی هستند که متخلق به اخلاقیات نیکو باشند. بر همین اساس کسانی که در جامعه و در انجام وظایف خود دارای وجدان کاری هستند، در نگاه دیگران بسیار محبوب و محترم‌اند. این محبوبیت اگرچه اولاً و بالذات لذتی معنوی و روحی است اما به‌طور طبیعی می‌تواند به مقبولیت اجتماعی هم منجر شود و در امور مربوط به معاش و زندگی مادی نیز سودمند و تأثیرگذار باشد و لذات مادی و حسی را نیز در پی داشته باشد.

د) حفظ و تقویت زیست اجتماعی خود و دیگران: با توجه به اینکه انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است؛ قوام و دوام حیات او وابسته به زندگی اجتماعی و استمرار زندگی اجتماعی وابسته به سلامت اجتماع است. زندگی انسان در اجتماع به‌مثابه سوار شدن بر یک کشتی روانه در اقیانوس است. در چنین موقعیتی همه سرنشینان کشتی در صورتی سالم به مقصد می‌رسند که همه آنها در حفظ و نگهداری کشتی تلاش کنند و از رسیدن هرگونه آسیبی به کشتی ممانعت ورزند. در غیر این صورت همه مسافران کشتی غرق خواهند شد. در یکی از احادیث، پیامبر اسلام ﷺ با همین مثال بر ضرورت حفظ انضباط، امنیت و اخلاقیات اجتماعی تأکید فرموده است. (ترمذی، ۱۴۰۳ ق: ۳ / ۳۱۸) داشتن وجدان کاری در اجتماع، تلاشی است جهت حفظ و مراقبت از کشتی حامل مسافران و نداشتن وجدان کاری، بی‌مبالاتی نسبت به سلامت مسافران است.

ه) قرارگرفتن جامعه در مسیر پیشرفت و تمدن: با توجه به حاکمیت قوانین تکوینی در جامعه،^۱

۱. بسیاری از اندیشمندان مسلمان با الهام گرفتن از برخی آیات قرآن به حاکمیت قوانین تکوینی در جامعه اعتقاد دارند.

بی‌تردید یکی از قوانین تکوینی عبارت است از اینکه: «هیچ جامعه‌ای بدون پایبندی مردمش به وجدان‌کاری پیشرفت و رشد نمی‌کند». این قضیه «حمله حقیقه سالبه» را می‌توان در ساختار یک قضیه موجهه حملیه «پیشرفت و رشد جامعه بدون پایبندی مردمش به وجدان‌کاری محال عقلی است» و یا در قالب یک قضیه «حقیقه شرطیه موجهه متصله لزومیه» بیان کرد: «اگر مردم یک جامعه دارای وجدان‌کاری نباشند، آن جامعه پیشرفت نخواهد کرد» بنابراین یکی از فوائد مهم داشتن وجدان‌کاری، پیشرفت جامعه و قرار گرفتن آن در مسیر تمدن است.

اگر یک نظام تربیتی بتواند از راه‌های مختلف از جمله آموزش از طریق محتوای کتابهای درسی مدارس و دانشگاهها، موعظه، هنر (فیلم، داستان، رمان و غیره)، حداقل این پنج فایده بسیار مهمی که مترتب بر فرهنگ وجدان‌کاری در جامعه است را از دوره کودکی، نوجوانی و جوانی به مردم جامعه تفهیم کند و ذهن و دل مردم را نسبت به فایده‌مندی وجدان‌کاری متقاعد نماید، می‌توان امیدوار بود که فرهنگ وجدان‌کاری به تدریج در آن جامعه رواج یابد.

۲-۳. تقویت بنیان‌ها و ترمیم نقصان‌های دینداری

مهم‌ترین حقایقی که پیامبران به‌عنوان دین از طرف خداوند برای انسان‌ها به ارمغان آوردند، یا متعلق و موضوع باور و ایمان بوده و از سنخ گزاره‌ها و توصیفات اعتقادی هستند که در قلمرو اصول دین قرار دارند و یا متعلق و موضوع عمل و رفتار انسان بوده و از سنخ دستورات و توصیه‌های عملی و اخلاقی هستند که در حوزه فروع دین و اخلاقیات دینی دسته‌بندی می‌شوند.

از بین ادیان آسمانی دین اسلام کامل‌ترین و خاتم همه آنهاست. مهم‌ترین آموزه‌های اعتقادی دین اسلام عبارتند از: اعتقاد و ایمان به خداوند، معاد و نبوت (و امامت)؛ و مهم‌ترین آموزه‌های عملی دین اسلام (علاوه بر احکام فرعی دهگانه و اخلاقیات فردی)، عبارتند از اخلاقیات اجتماعی به‌ویژه وجدان‌کاری.

اگر انسان به‌وجود خداوند، حقانیت قیامت و دستورات و آموزه‌های دین مبین اسلام اعتقاد و ایمان داشته باشد، قطعاً و ضرورتاً خود را موظف و مقید به رعایت همه موازین اخلاق اجتماعی به‌ویژه وجدان‌کاری می‌نماید. در قرآن کریم آیاتی وجود داد که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به مخاطبان

(از جمله: ابن‌خلدون، ۱۳۵۲: ۱/ ۷۴؛ طباطبایی، بی‌تا: ۴ / ۹۷ - ۹۴؛ مطهری، ۱۳۷۸: ۳۳ - ۲۹؛ صدر، ۱۳۹۶: ۱۴۳ - ۱۳۹؛ مصباح، ۱۳۸۰: ۱۲۹ - ۱۲۷؛ جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۳۴۸ - ۲۸۷) برخی متفکران غربی نیز بر وجود قوانین تکوینی در جامعه اذعان دارند. (دورکیم، ۱۳۵۵: ۱۳۱ - ۱۲۹) به گفته پولارد، اشپنگلر و توین‌بی نیز بر همین باور هستند. (ر.ک: پولارد، ۱۳۵۴: ۱۹۳-۱۷۷)

خود هشدار می‌دهد که ذره‌ای از موازین اخلاق نیکوی اجتماعی تخطی نکنند: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال / ۸ - ۷) و نیز «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (تحریم / ۷) به گفته علامه طباطبایی، براساس این آیه انسان (در قیامت) جزای اعمالش که عبارت است از (باطن) خود آن اعمال را خواهد دید. (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۷۰ - ۱۶۹) براساس آیه شریفه: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ» (مطففین / ۱) در قیامت جزای دردناکی در انتظار کم‌فروشان (و کم‌کاران) است. بنابراین یکی از راه‌های شکوفاسازی و نهادینه‌کردن اخلاق نیکوی اجتماعی از جمله وجدان‌کاری عبارت است از استمداد از باورها و آموزه‌های دینی مردم در جوامع دینی.

۲-۳-۱. بررسی و تحلیل فرایند تأثیرگذاری آموزه‌های دینی در اخلاق اجتماعی

بنابر مباحث پیش‌گفته، سه عامل اصلی که می‌تواند در شکوفایی و نهادینه‌سازی اخلاقیات نیکوی اجتماعی به‌ویژه فرهنگ وجدان‌کاری تأثیرگذار باشد عبارتند از: مدیریت علمی و کارآمد، تعلیم و تربیت علمی و کارآمد و نیز تقویت بنیان‌ها و ترمیم نقصان‌های دینداری. از این‌رو، اگر در جامعه‌ای فرهنگ وجدان‌کاری چندان که باید و شاید، رایج و نهادینه نشده است بدون تردید آن جامعه در برخی از این موارد (و یا همه آنها) دچار ضعف و نقصان است. ضعف و نقصان‌های مدیریتی و تربیتی در کشور ایران و تأثیر این ضعف‌ها و نقصان‌ها در فرهنگ وجدان‌کاری کاملاً آشکار است. اما آیا دینداری مردم ایران، بدون نقص است و نقش خود را به خوبی ایفا می‌کند؟

استاد مطهری در مقاله‌ای تحت عنوان «احیای فکر دینی» می‌گوید: «در میان کشورهای دنیا - به استثناء بعضی کشورها - کشورهای اسلامی عقب‌مانده‌ترین و منحط‌ترین کشورها هستند. نه تنها در صنعت عقب هستند، در علم هم عقب هستند، در اخلاق هم عقب هستند، در انسانیت و معنویت هم عقب هستند». (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۴۴) ایشان، در ادامه همین سخنان، علت این عقب‌ماندگی‌ها را مسخ‌شده‌گی توحید، نبوت، امامت و معاد در فکر مسلمانان می‌داند. (همان) این سخنان استاد مطهری در سال‌های قبل از انقلاب بیان شده است. اما آیا بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی، این نقصها و عقب‌ماندگی‌ها مرتفع شده‌اند؟

در ابتدای این نوشتار یادآوری کردیم که رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بارها، کشور جمهوری اسلامی ایران را مبتلا به برخی بیماریهای مزمن اخلاق اجتماعی دانسته است.

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-contentid=21252>)

اما چرا برخی مردم متدین، نسبت به مردم کشورهای نظیر ژاپن، کره، چین و برخی از کشورهای

دیگر که یا هیچ دینی ندارند و یا به ادیان تحریف‌شده و یا غیروحیانی متدین هستند، در انجام وظایف خود از وجدان‌کاری کمتری برخوردارند؟ بدیهی است عدم‌تقید به این اخلاق اجتماعی، مفاسد و گناهان دیگری را به‌دنبال خواهد داشت؛ از جمله رعایت نکردن حق‌الناس که از منظر دین اسلام بزرگترین گناه به‌شمار می‌رود. درباره این مسئله اساسی لازم است چند مبحث مهم را بررسی کنیم:

۲-۱-۳. ایمان به خداوند و قیامت و تأثیر آن بر وجدان‌کاری

سخن گفتن از کم و کیف و فرایند تأثیرگذاری ایمان به خداوند و قیامت در اعمال و اخلاق انسان بسیار دشوار است و بدون پاسخ دادن به برخی از سؤالات، نمی‌توان در این باره به داوری نشست. سؤالاتی از قبیل: آیا اگر انسان به‌وجود خداوند و نیز به حیات بعد از مرگ و ثواب و عقاب اخروی باور داشته باشد، لزوماً اعمال و اخلاق خود را با این باور تنظیم و تطبیق می‌کند؟ چه مرتبه و درجه‌ای از باور و اعتقاد به خداوند و قیامت، می‌تواند اعمال و اخلاق انسان را تحت‌تأثیر خود قرار دهد؟ آیا رواج برخی اخلاقیات خوب اجتماعی مانند وجدان‌کاری در برخی کشورها (مانند ژاپن) و عدم‌رواج همین اخلاق نیکوی اجتماعی در برخی دیگر از کشورها (مانند ایران)، ناشی از باور برخی و عدم‌باور برخی دیگر به خداوند و قیامت می‌باشد؟ آیا باور و اعتقاد داشتن به خداوند، عیناً همان ایمان به خدا و قیامت است؟

پاسخ و تحلیل همه این پرسش‌ها و پرسش‌های بسیار دیگر می‌تواند در روشن ساختن این بحث مفید باشد اما بدیهی است بررسی و پاسخ مفصل به این پرسش‌ها در این مختصر نمی‌گنجد. در اینجا به برخی نکات مهمی که در تحلیل این مسئله مفید است اشاره می‌شود:

۱. بین باور (اعتقاد) به چیزی و ایمان به آن چیز تفاوتی به درازای علم و عمل وجود دارد؛ ای‌بسا کسانی هستند که به چیزی باور دارند اما به همان چیز ایمان ندارند. باور و اعتقاد در قلمرو عقل نظری اما ایمان در قلمرو عقل عملی و از اعمال جوانحی انسان است. باور از سنخ علم است که بعد از فراهم شدن مقدمات، به نحو جبری تحقق می‌یابد؛ اما ایمان از سنخ عمل و کاملاً اختیاری است. برای ایمان داشتن به چیزی، باور به آن شرط لازم است اما شرط کافی نیست. انسان‌هایی که عقل آنها به‌وجود خداوند و معاد اعتقاد دارد در صورتی این اعتقاد به مرتبه ایمان ارتقاء می‌یابد که قلب آنها نیز نسبت به این اعتقاد تسلیم و خاضع گردد و به لوازم آن گردن نهد. قرآن کریم در بیان وضعیت فرعون و همراهانش می‌فرماید درحالی‌که به آن علم یقینی داشتند، باز هم سرکشی می‌کردند و تسلیم نمی‌شدند: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل / ۱۴) (ر.ک: جوادی آملی،

۱۳۹۳: ۱۶ و ۹۷؛ همو، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۵۴ و ۱۵۸؛ مطهری، ۱۳۷۷: ۲۴۵؛ مصباح، ۱۳۸۸ الف: ۱ / ۱۱۸ - ۱۱۷ و ۱۵۴ - ۱۵۳؛ مصباح، ۱۳۸۸ ب: ۹۴)

۲. باور و اعتقاد انسان‌ها به خداوند و قیامت دارای مراتب و درجات متعددی است. اگر انسان‌ها در اعتقاد به خداوند و قیامت با تلاش‌های علمی و تأملات عقلی از مراحل شک، ظن و باورهای تقلیدی عبور کنند و به مرحله یقین تحقیقی برسند این مرحله، خود دارای مراتبی سه‌گانه است که به ترتیب عبارتند از علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین.

۳. در اعتقاد به خداوند و قیامت، به‌جز تعداد اندکی از انسان‌ها که عبارتند از معصومین علیهم‌السلام و اولیاء مقرب خداوند، بقیه انسان‌ها نمی‌توانند به مرتبه عین‌الیقین و حق‌الیقین دست یابند بلکه اگر بتوانند از مراتب شک، ظن و باور تقلیدی عبور کنند، نهایتاً به مرتبه علم‌الیقین نائل می‌شوند؛ که صد البته این مقام هم نعمت و موهبتی گرانبها است و از بین همه نعمتهای خداوند، هیچ نعمتی کمیاب‌تر از یقین بین مردم تقسیم نشده است. امام رضا علیه‌السلام فرموده است: «لَمْ يُقَسَّمْ بَيْنَ الْعِبَادِ شَيْءٌ أَقَلُّ مِنَ الْيَقِينِ». (اصول کافی، ۳: ۸۸ حدیث ۶)

۲-۱-۳-۲. آموزه‌های دینی و تأثیر آن بر وجدان‌کاری

استمداد از دین و آموزه‌های دینی - به‌ویژه دین اسلام که پیامبر آن فرموده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۶ / ۲۱۰) - برای تأثیرگذاری بر ترویج و نهادینه‌سازی اخلاقیات نیکوی اجتماعی به‌ویژه وجدان‌کاری کاملاً استمداد و انتظار به‌جا و معقولی است؛ اما اگر این انتظار در برخی جوامع، جامه عمل نپوشد و به وقوع نپیوندد، در تعلیل آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. اظهار دیانت مردم به یک دین و حتی انجام برخی مناسک و شعائر دینی از طرف آنها، لزوماً به‌معنای ایمان قلبی (و حتی باور عقلی) آنها به آموزه‌های آن دین نیست؛ بلکه این اظهارات و اعمال می‌تواند محصول احساسات و عواطف موقت یا غیرموقت باشد و ریشه‌ای در قلب و عقل آنها نداشته باشد. آنچه در قلمرو دینداری می‌تواند در سبک زندگی و اخلاق اجتماعی تأثیر بنیادین داشته باشد باور و ایمان عقلی و قلبی است و نه ظن و گمان‌های ناشی از احساسات و عواطف.

۲. ممکن است اعتقاد و ایمان برخی متدینان به اصول و گزاره‌های دینی از حد شک، ظن و تقلید هم عبور کرده و به مرحله بالاتری صعود کند حتی به مرز علم‌الیقین هم برسد اما دیانت آنها مبتلا به نقصانها و نارسایی‌های دیگری باشد؛ مثلاً در ساختار و نظام اعتقادی و باورهای دینی آنها، انسجام و

سازگاری عقلی و منطقی حاکم نباشد و هم‌زمان به چند گزاره متعارض و ناسازگار معتقد باشند؛ لذا در مقام عمل و رفتار، یک باور مانع تأثیرگذاری باور دیگر می‌شود. این ناسازگاری محصول علل مختلفی است از جمله: فراگیری نادرست و غیرعقلانی آموزه‌های دینی و یا احاطه اقسام جهل (از جمله جهل مرکب) بر ذهن و فاهمه آنها؛ به طوری که در ساختار و نظام باورهای دینی آنها نداشتن وجدان‌کاری و در پی آن تزییع حقوق مردم، با دینداری و سعادت‌مندی در دنیای و آخرت قابل جمع باشد.

چنین دیندارانی، احياناً تصور می‌کنند دینداری آنها منطبق با آموزه‌های دینی و انتظارات دین از آنهاست و خود را پیرو راستین دین و اهل سعادت می‌خوانند. به عنوان مثال اگر شخصی فقط به ظاهر برخی احادیث توجه کند و از شرایط و مفاد واقعی آنها غفلت نماید دچار توهم «خودمسلمان‌پنداری» می‌شود و لو اینکه مرتکب بزرگترین گناهان مانند تزییع حقوق مردم گردد. (از باب نمونه، احياناً در برخی کتب روایی آمده است: اگر انسان فلان کار را (مثلاً اظهار محبت به اهل بیت علیهم‌السلام) انجام دهد همه گناهان او پاک می‌شود). شخص ظاهربین که نسبت به شرایط شمول چنین احادیثی جاهل یا غافل است و فقط به ظاهر این احادیث می‌نگرد، می‌پندارد با انجام ظاهری عملی که در آن حدیث بیان شده، دینداری و سعادت او تضمین گردیده و در هر شرایطی، همه گناهانش پاک می‌شود و ارتکاب به گناهان، دینداری او را دچار خدشه نمی‌کند. در حالی که تنها ملاک اسلام راستین، تقوی و عمل صالح است. امام محمد باقر علیه‌السلام به جابر می‌فرماید: «ای جابر کسی که مطیع خداست، دوستدار ماست و هر کس نافرمانی خدا را نماید، با ما دشمن است. ولایت ما اهل بیت، جز با عمل (صالح) و پرهیز از گناه به دست نمی‌آید». (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲ / ۷۵ - ۷۴)

۳. همان‌گونه که شرح آن گذشت، اصیل‌ترین خصلت ذاتی انسان حب ذات، خودخواهی و لذا منفعت‌طلبی است؛ از این رو دینداری برخی افراد تحت‌الشعاع و تابع خودخواهی و منفعت‌طلبی آنها قرار می‌گیرد. امام حسین علیه‌السلام فرموده است: «إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعَقُّ عَلِيٍّ أَلْسِنَتِهِمْ يَحْوَطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَائِشُهُمْ فَأَذَا مُحْصُوا يَأْتِلُاءِ قَلِّ الدِّيَانُونَ». (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۴۵) بر اساس این برخی دینداری‌ها در خدمت منافع انسان است و در صورت وقوع تعارض بین حفظ حقیقت دین و حفظ منافع شخصی و یا گروهی، منفعت‌طلبی انسان، منافع او را ترجیح می‌دهد.

۴. حب ذات و منفعت‌طلبی انسان چنان در وجود او ریشه دارد که حتی برخی مراتب بالای ایمان و دینداری نیز در راستای حفظ منفعت انسان است ولو منفعت عقلی و درازمدت که عبارت است در امان ماندن از دروزخ و وارد شدن به بهشت اخروی. بنابراین برای ایجاد، تثبیت و ترویج فرهنگ

اخلاقیات نیکوی اجتماعی از جمله وجدان‌کاری، لازم است در اولین گام به افکار عمومی و دل و جان مردم جامعه، این حقیقت را یادآوری نمود که «کاردزدی» برای تحصیل لذت‌های دنیوی و اخروی بسیار مضر است و داشتن وجدان‌کاری و التزام به آن برای آنها بسیار سودمند و در راستای تحصیل لذت‌ها و سعادت دنیوی و اخروی آنها قرار دارد. حتی در تعلیم و تبلیغ آموزه‌های دینی ناظر بر اخلاقیات اجتماعی، می‌بایست بر فواید دنیوی آنها نیز تأکید ورزید.

در اینجا ممکن است این سؤال رخ نماید که آیا اگر مردم مسلمان و متدین با نیت و انگیزه دستیابی به فواید و منافع دنیوی متخلّق به اخلاق نیکوی اجتماعی از جمله مراعات وجدان‌کاری شوند، دینداری آنها مشروع و مقبول است، چه رسد به اینکه آموزه‌های دینی نیز با این رویکرد آموزش داده شوند؟

علامه طباطبایی به این سؤال پاسخ منفی داده است از دیدگاه ایشان نه تنها ضروریست که انسان در عمل کردن به امور اخلاقی نگرشی توحیدی داشته باشد و به‌خاطر خداوند و قیامت اخلاقیات را مراعات کند، بلکه تنها پشتوانه قابل‌اعتماد برای رواج اخلاقیات در جامعه، بینش توحیدی مردم است. (طباطبایی، بی‌تا: ۱۱ / ۱۵۷)

در مسئله مورد بحث، علامه طباطبایی نیز فایده‌گرایی و منفعت‌طلبی انسان را مدنظر قرار داده است؛ اما معتقد است انسان باید صرفاً در پی رسیدن به فایده و لذت معنوی و معقولی مانند رضایت خداوند و یا حداقل بهشت اخروی باشد و نه فایده و لذت محسوس و زودیاب دنیوی. در اینجا چند ملاحظه و تأمل در دیدگاه مرحوم علامه طباطبایی قابل طرح است:

الف) برای انسان‌های وارسته و به خدا پیوسته و راه‌یافتگان به درگاه حق و مخلصین بارگاه ربوبی نباید هیچ عملی بدون انگیزه الهی انجام شود و لازم است در نیت آنها همه شرک‌ها زوده گردد. اگر انسان بتواند با انگیزه و نیت الهی متخلّق به اخلاق حسنه شود بدون تردید در بهترین مسیر مقدور بشر همراه با بهترین هدف و انگیزه قرار گرفته است؛ اما بنابر انسان‌شناسی دقیق دینی، عقلی، تجربی و تاریخی (واقع‌بینانه)، اکثر انسان‌ها به این مرتبه از کمال نائل نمی‌شوند.^۱

۱. تجربه تاریخی واقع‌بینانه و نیز بسیاری از آیات قرآن به روشنی گویای این حقیقت‌اند که «اکثرهم لایعقون»، «اکثرهم لایعلمون». در چهارده آیه خداوند می‌فرماید: «اکثرهم لایعلمون» در سه آیه «اکثرهم لایعقلون» در یک آیه «اکثرهم لا یؤمنون» و در آیاتی هم عباراتی نظیر «ان یتبعون الا الظن» بیان شده است. امام حسین علیه السلام در سخنانی بسیار دقیق و واقع‌بینانه فرمود: «الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السنتهم». بسیاری از فیلسوفان از جمله ملاصدار معتقدند: «اکثر الخلق لاستغراقهم بآبدانهم المادیة و شواغلها نسوا انفسهم کما قال تعالی: نسوا الله فانساهم انفسهم. و ذلک لانهم لا

به گفته استاد مصباح:

یکی از سنت‌های الهی حاکم بر هستی این است که وجودهای کامل نسبت به موجودات ناقص بسیار کمتر است. کسانی که (در اعمال خود) فقط رضایت خداوند را در نظر بگیرند، بسیار محدودند. (مصباح، ۱۳۸۷: ۳۵۰)

ب) انسان می‌تواند ضمن توجه به منافع و فواید اخروی و تقویت انگیزه اخروی و تلاش برای رسیدن به سعادت اخروی، با انگیزه و نیت رسیدن به منافع و فواید دنیوی نیز اعمال و رفتار خود را سامان دهد و به اخلاق نیکوی اجتماعی مزین شود؛ به عبارت دیگر انگیزه‌های رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی قابل جمع هستند همچنان‌که آیه شریفه قنوت مهر تأییدیست بر این ادعا: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». (بقره / ۲۰۱)

ج) اگر اعمال و رفتار و اخلاق انسان‌ها، نیکو و همراه با حسن فعلی باشد، (در برخی از اعمال و رفتارها) فقدان حسن فاعلی آسیبی به رواج و تثبیت اخلاق نیکوی اجتماعی نمی‌زند و انسان‌ها را از بهره بردن و استفاده از حسنات و منافع اجتماعی سالم و منفعت‌بخش آن اعمال و رفتارها بی‌نسیب نمی‌کند؛ از آن گذشته، اگرچه مخلصین و خواص از مؤمنین همه اعمال ظاهری و باطنی و همچنین فردی و اجتماعی خود را فقط برای رضای خداوند انجام می‌دهند و مشمول آیه شریفه «قُلْ إِنْ صَلَّاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام / ۱۶۲) هستند، اما برای انسان‌های دیگر (که اکثریت مردمند)، بسیاری از آداب و افعال اجتماعی می‌تواند موضوع اعمال تعبدی نباشند.

از این‌رو نهادینه شدن اخلاق نیکوی اجتماع از جمله وجدان‌کاری، فواید و منافع دنیوی خود را به انسان‌ها اهدا و اعطا می‌کند؛ حال چه انگیزه معنوی، معقول و اخروی محرک انجام و رواج آن اخلاق نیکو بوده باشد و چه انگیزه‌های دنیوی.

يشعرون بذواتهم مع هذه العلاقة الشديدة الا مخلوطا بالشعور بابدانهم لان اتصال النفس بالبدن و ارتباطها به كاتصال النور بالظل و الشعلة بالدخان.... لانا لا نعقل شيئا و نحن بديون الا و التعقل منا مشوب بالتخيل...». (ملاصدرا، ۱۹۹۰: ۹ / ۱۲۵-۱۲۴) ابن‌سینا در رساله معراجیه، می‌گوید: مردم در قید و بند حس و محسوسات‌اند و توانایی درک معقولات را ندارند؛ به همین خاطر خداوند به پیامبر ﷺ امر فرمود که به اندازه فهم مردم با آنها سخن بگوید «انا معاشر الانبياء امرنا ان نكلم الناس علي قدر عقولهم». پس پیامبران هر معقولی را در قالب محسوس بیان می‌کنند تا مردم آن را درک کرده و متابعت نمایند. از این‌رو شریف‌ترین انسان و عزیزترین پیامبران با مرکز حکمت و فلک حقیقت و خزانه عقل، امیرالمؤمنین ﷺ، فرمود: «يا علي اذا رأيت الناس مقربون الي خالقهم بانواع البرِّ فتقرب اليه بانواع العقل تسبقهم». این چنین خطابی جز در مورد بزرگی مانند حضرت علی ﷺ صادق نیست که حضرتش در بین مردم، مانند معقول بود در بین محسوس. (ابن‌سینا، ۱۳۸۸: ۵۲۷ - ۵۲۶)

۳-۱-۳-۲. شکاف منزلتی اخلاق اجتماعی، در دین اسلام و در جامعه مسلمانان

همه ادیان آسمانی به‌ویژه دین مبین اسلام بیش از هرچیز، به ایجاد، ترویج و تثبیت اخلاق نیکوی اجتماعی تأکید دارند. قرآن کریم، پیامبر اسلام ﷺ را دارای اخلاق نیکوی عظیم معرفی می‌کند: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». (قلم / ۴) اینکه پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ در همه کمالات، اشرف مخلوقات است از مسلمات دینی، فلسفی و عرفان اسلامی می‌باشد.^۱ اما در خصوص آیه فوق علامه طباطبایی، معتقد است: از سیاق مخصوص آیه مشخص است که در این آیه، اخلاق اجتماعی پیامبر ﷺ منظور است (و نه اخلاق فردی او). (طباطبایی، بی تا: ۱۹ / ۳۶۹)

در برخی از آیات قرآن، خداوند، پیامبر عزیز اسلام ﷺ را بهترین الگو در همه امور از جمله در اخلاق اجتماعی معرفی می‌نماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا». (احزاب / ۲۱) بنابر فرموده پیامبر اکرم ﷺ رسالت اصلی ایشان تکمیل و ارتقای اخلاق بوده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۶ / ۲۱۰)

تأمل در آموزه‌ها و منابع قرآنی و روایی دین اسلام، به روشنی حاکی از این حقیقت است که در اسلام، حکمت عملی جایگاهی به مراتب بسیار بالاتر از حکمت نظری دارد؛ و توصیه‌های بسیار دقیق و انسان‌شناسانه این منابع بیش از هرچیز معطوف به اصلاح اعمال و رفتار و اخلاق انسان‌ها می‌باشد. (ایزدی، ۱۳۹۵: ۷۲ - ۶۹)

اسلام حق‌الناس را بسیار محترم می‌شمرد. و بزرگترین گناه را تزییع حقوق مردم در اثر بی‌مبالاتی به اخلاق اجتماعی معرفی می‌نماید. لکن، علی‌رغم غنای محتوایی دین اسلام در مسائل اخلاقی و نیز با وجود تأکید مکرر آیات و روایات بر اجرای اخلاقیات نیکو - که حاکی از جایگاه رفیع اخلاق در اسلام است - کشورهای مسلمان تاکنون نتوانسته‌اند یک جامعه اخلاقی در تراز دین اسلام که واجد اخلاقیات اجتماعی نظیر وجدان‌کاری، قانون‌مداری و نظم اجتماعی و احترام به حقوق دیگران باشد تأسیس کنند. برخی از علل این ضعف‌ها و نقص‌ها به قرار زیر است:

الف) کاستی‌ها و نقصانهای متعدد در دینداری مردم (که در مباحث قبلی تحلیل شد).

ب) عدم‌اهتمام جدی برخی مریبان، مبلغان و عالمان دینی به بخش اخلاقیات اسلام (که بسیاری از آنها واجبند) و تمرکز افراطی بر بخش‌های دیگر اسلام از جمله مناسک و مراسم شعاری (که بسیاری از آنها مستحب‌اند).

۱. مولوی در تحلیل چرایی ختم نبوت می‌گوید: «بهر این خاتم شد است او، که به جود - مثل او نی بود و نی خواهند بود». (مولوی، بی تا: ۱۰۶۱)

ج) تمرکز مطالعات فقهی، فرهنگی و اخلاقی بر جوانب فردی این مطالعات و بی‌توجهی به جوانب اجتماعی آنها. (ر.ک: شریفی، ۱۴۰۰: ۵۵)

د) دین اسلام از جهات محتوای مسائل اخلاقی اجتماعی غنی است، اما تربیت، آموزش و مدیریت جامعه در راستای رسیدن به درجات بالایی از اخلاق محوری و تخلّق و تأدّب به وجدان‌کاری، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، مقتضی دانش، مهارت و مجهزشدن به اسباب و امکانات موردنیاز برای تحقق عملی این امر مهم است.

نتیجه

تحقیقات انسان‌شناختی مبین این حقیقت است که همه انسان‌ها حُسن اخلاقیات اجتماعی نیکو را درک می‌کنند؛ علاوه بر آن، هم‌گرایش به آنها داشته و هم‌توانایی آراسته شدن به آنها را دارند. بنابراین همه انسان‌ها مفضول به اخلاقیات نیکوی اجتماعی هستند. اما در مقام عمل، مردم برخی از کشورها در تخلّق به اخلاقیات نیکوی اجتماعی از جمله وجدان‌کاری نسبت به برخی دیگر، موفق‌تر بوده‌اند. اخلاقیات فطری (و بالقوه) اجتماعی، جهت‌فعلیت یافتن و شکوفا شدن به عوامل دور و نزدیک بسیاری نیازمندند؛ لکن مهم‌ترین آنها عبارتند از: الف) مدیریت علمی و کارآمد جامعه، ب) استفاده از روش‌های تربیتی مبتنی بر انسان‌شناسی دقیق و واقع‌بینانه، ج) تقویت بنیان‌ها و ترمیم نقصان‌های دینداری مردم. آرمانهای بزرگی نظیر تمدن‌سازی و نیز کسب سعادت دنیوی و اخروی، مقتضی این عوامل سه‌گانه است. اگر در یک کشور مسلمان، اخلاقیات اجتماعی نیکو رایج نیست، قطعاً بین جایگاه و منزلت دینی اخلاق اجتماعی و اخلاق متداول مردم آن کشور شکاف و رخنه عمیقی وجود دارد.

به نظر می‌رسد کشور جمهوری اسلامی ایران در هر سه عامل پیش‌گفته، به برنامه‌ریزی جدید و به‌کارستن همه تلاش‌های خود برای ترمیم کاستی‌های مزمن نیاز دارد؛ در غیر این صورت در دنیای پر رقابت معاصر - که همه ملت‌ها در تکاپوی رسیدن به درجاتی از پیشرفت و تمدن‌سازی هستند - نه تنها به مرحله تمدن‌سازی نمی‌رسد بلکه در وصول به مراحل از پیشرفت هم ناکام خواهد ماند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۸۸، *مجموعه رسائل*، تصحیح و توضیح سید محمود طاهری، قم، آیت اشراق.

۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، *تحف العقول*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۳. ابن عربی، محیی‌الدین، ۱۴۲۳ق، *مجموعه رسائل ابن عربی*، بیروت، دار المحجة البيضاء.
۴. اسلامی، قاسم، ۱۳۹۷، «علل زیرآب‌زنی در سازمان‌های بخش دولتی»، *فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه*، ص ۸۲ - ۴۹.
۵. ایزدی، محسن، ۱۳۹۶، «تأملاتی در آثار ملاصدرا درباره سعادت قصوی؛ با رویکرد قرآنی»، *دوفصلنامه انسان‌پژوهی دینی*، قم، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی، ص ۱۰۴ - ۸۵.
۶. ایزدی، محسن، ۱۳۹۴، «تبیین وجودشناختی فطریات از طریق مبانی حکمت متعالیه»، *فصلنامه معرفت فلسفی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص ۷۴ - ۵۷.
۷. ایزدی، محسن، ۱۳۹۵، «جایگاه عقل نظری و عملی از سعادت از دیدگاه ملاصدرا و ارزیابی قرآنی آن»، *فصلنامه پژوهش‌نامه اخلاق*، قم، دانشگاه معارف اسلامی، ص ۷۸ - ۶۱.
۸. بهار، محمدتقی، ۱۳۵۴، *دیوان اشعار*، تهران، سپهر.
۹. پولارد، سیدنی، ۱۳۵۴، *اندیشه ترقی تاریخ و جامعه*، ترجمه حسین اسدپور پیرانفر، تهران، امیرکبیر.
۱۰. ترمذی، محمدبن عیسی، ۱۴۰۳ق، *سنن الترمذی*، بیروت، دارالفکر.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، *تفسیر انسان به انسان*، قم، نشر اسراء.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۹، *جامعه در قرآن*، تحقیق و تنظیم مصطفی خلیلی، قم، نشر اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۳، *حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه*، قم، نشر اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۵، *رحیق مختوم*، ج ۱، قم، نشر اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، *شریعت در آینه معرفت*، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۲، *فطرت در قرآن*، قم، نشر اسراء.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *مبانی اخلاق در قرآن*، قم، نشر اسراء.
۱۸. دورکیم، امیل، ۱۳۵۵، *قواعد روش جامعه‌شناسی*، ترجمه علی‌محمد کاردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. رحیمی، علیرضا، ۱۴۰۰، *تربیت عقلانی بصیرت‌گرا*، تهران، نشر نهج.
۲۰. شریعتمداری، علی، ۱۳۷۴، *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، امیرکبیر.
۲۱. شریفی، احمدحسین، ۱۴۰۰، *راه‌های اصلاح اخلاق اجتماعی در تبیین بیانیه گام دوم*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

۲۲. صدر، محمدباقر، ۱۳۹۶، *سنت‌های تاریخ در قرآن*، ترجمه سیدجمال‌الدین موسوی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین، بی‌تا، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۶، *شیعه در اسلام*، قم، انتشارات اسلامی.
۲۵. فارابی، ابونصر محمدبن محمد، ۱۳۶۴، *احصاء العلوم*، ترجمه حسین خدیو‌جم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۰، *جامعه و تاریخ در قرآن*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۸. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۷، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۹. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۸ الف، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۰. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۸ ب، *خودشناسی برای خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۹، *ده گفتار*، تهران، صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *فلسفه اخلاق*، تهران، انتشارات صدرا.
۳۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، *جامعه و تاریخ*، تهران، صدرا.
۳۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، *فطرت*، تهران، صدرا.
۳۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۹، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا.
۳۶. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، تصحیح جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۷. مزلو، آبراهام اچ، ۱۳۶۹، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۸. مولوی، جلال‌الدین رومی، بی‌تا، *مثنوی معنوی*، بی‌جا، نشر طلوع.

